

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره یازدهم، بهار ۱۴۰۳: ۱-۳۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

شناسایی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری پدیده تکدی‌گری زنان (مورد مطالعه شهر خرم‌آباد)

* ابوذر قاسمی‌نژاد

** ولی بهرامی

چکیده

امروزه با فشارهای اقتصادی از یکسو و گسترش فردیت و گمنامی در شهرهای بزرگ، پدیده تکدی‌گری به یکی از معضلات شهری تبدیل شده است. از این‌رو مطالعه حاضر با هدف شناسایی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری و گسترش تکدی‌گری زنان در شهر خرم‌آباد انجام شده است. رویکرد تحقیق حاضر اکتشافی با بهره‌گیری از روش کیفی و جامعه‌مورد مطالعه، کلیه زنان متکدی در شهر خرم‌آباد بودند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده است. حجم نمونه نیز بر اساس معیار اشباع تعیین شد و بر این اساس با پانزده نفر، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. داده‌های گردآوری‌شده نیز به صورت مضمونی کدگذاری و تحلیل شد. بدین‌ترتیب پس از کدگذاری و تحلیل داده‌ها، ۳۰۴ کد باز، ۳۰ مضمون فرعی و ۷ مضمون اصلی استخراج شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زمینه‌های اجتماعی تکدی‌گری، «تعارض عقلانیت ارزشی مذهبی، تعاملات نامولد، کاهش شرم و برچسب تکدی‌گری، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی» و زمینه‌های اقتصادی آن، «نداشتن مهارت شغلی، تکدی‌گری به‌مثابه درآمد آسان و فقر نسلی» است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که باید با ایجاد

* نویسنده مسئول: استادیار گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

abozarghaseminezhad65@semnan.ac.ir

bahrami1171@gmail.com

** استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران



توانمندسازی در جهت افزایش مهارت‌های شغلی آنها و نیز کاهش تعاملات نامولد آنها در بستر خانوادگی و زنجیره‌های فقر نسلی، مسیر آنها را به سمت اشتغال مولد سوق داد.

واژگان کلیدی: تکدی‌گری، فقر نسلی، بدسرپرستی، درآمد آسان و نداشتن مهارت شغلی.



مقدمه و بیان مسئله

جوامع بسیاری از مسائل اجتماعی رنج می‌برند و این مسائل، ثبات و تداوم آنها را به چالش می‌کشد. مشکلات نظیر بیکاری، فقر، افزایش نرخ جرایم، طلاق و فروپاشی خانواده و نقض آزادی و حقوق افراد است. این مسائل به دلیل تغییرات سریع و گسترده‌ای به وجود می‌آیند که در بسیاری از جوامع اتفاق افتاده است. یکی از مسائل اجتماعی که جوامع معاصر را با چالش مواجه کرده، مسئله «تکدی‌گری»^۱ است که بسیار ساده و پنهان اما گسترش یافته است و برای جوامع خطرناک و تهدیدی برای ثبات و امنیت آنها تلقی می‌شود. همچنین این پدیده با آسیب رساندن به دورنمای فضای عمومی اجتماع، آثار منفی را بر آنها وارد می‌کند و باعث از بین رفتن منزلت و کرامت افراد می‌شود. این پدیده با وجود اختلافات میان ملت‌ها در سطح مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بسیار قدیمی و در اکثر جوامع رایج است. این پدیده با وجود تغییرات و چالش‌های مستمر و شرایط زمانی و مکانی متفاوت، همچنان وجود دارد (Alzyoud, 2018: 57 Al-Muhareb &).

تعریف مدنظر ما در این پژوهش با تعریف اسماعیل، همخوانی دارد که تکدی‌گری را عملی می‌داند که «در آن فرد از عابران پیاده، مغازه‌ها یا اماکن عمومی، کمک مالی طلب کند و این عمل را با تظاهر به انجام کار، خدمت به دیگران و با به کار بردن عجز و ناتوانی در قالب تغییر لباس، قیافه و پنهان کردن ظاهر خود در خیابان، نزدیک مساجد و منازل انجام می‌دهد» (Ismail, 2013: 28). همچنین «متکدی، فردی است که به بخشش مالی افراد غریبه، بدون ارائه انجام کار و خدمات در ازای آن متکی است؛ هرچند این کار به همان اندازه کار مزدبگیر باشد» (Bukoye, 2015: 324).

پدیده تکدی‌گری در نتیجه عوامل متعددی از جمله فقر (واقعی یا حاشیه‌ای)، بی‌سوادی، تأمین نشدن مواد غذایی، وابستگی مذهبی^۲، ناتوانی جسمی، فرهنگی، بلایای طبیعی، جنگ داخلی، عادت بد (مواد مخدر، الکل و قمار)، میراث خانوادگی، مهاجرت بی‌رویه و کنترل نشده روستایی شهری، اختلالات روانی و بیماری به وجود می‌آید (ر.ک: Ogunkan & Fawole, 2009; Namwata et al, 2011; Malarvizhi & K.T.Geetha, 2016).

1. Begging

2. religious affiliation

تحقیقات نیز نشان می‌دهد که در کشور ما، علل تکدی‌گری به مواردی همچون بی‌عدالتی و تبعیض اقتصادی-اجتماعی، مهاجرت و نظارت اجتماعی (ر.ک: رستمی‌نیا، ۱۴۰۱)، ساختار معیوب اقتصادی-اجتماعی، شیوع فقر، نابرابری اجتماعی، نابسامانی اقتصادی، وضعیت خانوادگی، طرد اجتماعی و بیکاری (ر.ک: کونانی، ۱۴۰۰)، موانع برای پول درآوردن، آینده‌نگر نبودن، عادت و استمرار به تکدی‌گری (ر.ک: رضازاده، ۱۳۹۴)، مدیریت ضعیف خانواده، حمایت نکردن نهادهای حمایتی (ر.ک: نواصر، ۱۴۰۰)، فقر اقتصادی و بیکاری، مهاجرت و تشویق دوستان، تن‌پروری، ضعف وجدان اخلاقی، نداشتن نگرش منفی به تکدی‌گری، فقدان نظارت و کنترل رسمی، عدم حمایت و تأمین اجتماعی، تضاد طبقاتی، سابقه تکدی‌گری در خانواده (ر.ک: معینی و جهانبازیان، ۱۳۹۸)، بی‌منزلی اجتماعی، فرهنگ مقابله‌ای، نهادینه نشدن مبارزه با گدایی، سرمایه اجتماعی (ر.ک: خضری، ۱۳۹۴)، معلولیت جسمی، اعتیاد، عضویت در باندهای متکدی‌حرفه‌ای و تحت پوشش نهادهای حمایتی نبودن (ر.ک: خانزاده، ۱۳۹۳)، ضعف قوانین در سامان‌دهی متکدیان و نیز برخورد‌های قانونی نه‌چندان مناسب (ر.ک: آفریدون، ۱۳۹۱)، فقر اجتماعی (ر.ک: حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۰)، نابسامانی خانوادگی (ر.ک: Shakoori & Motamedi, 2013)، مهاجرت (ر.ک: عبداللهی و زندی، ۲۰۱۶)، بیکاری (ر.ک: Shakoori & Motamedi, 2013) و هزینه‌های بالای زندگی (ر.ک: Demewozu, 2005) برمی‌گردد. همان‌گونه که اشاره شد، مسئله تکدی‌گری، پدیده‌ای فراگیر است و خاص کشور، منطقه، طبقه و افراد خاصی نیست و در میان افراد مسن، افراد مبتلا به بیماری، معلولان، نابینایان، عقب‌مانده‌ها، کودکان و حتی افراد توانا هم دیده می‌شود (Malarvizhi & K.T.Geetha, 2016: 244).

این وضعیت در دهه اخیر در استان لرستان و به‌ویژه شهر خرم‌آباد نیز خود را نشان داده است که به اشکال مختلف، زنان را درگیر خود ساخته است. در گذشته، ماهیت درهم‌تنیده مناسبات اجتماعی قومی-خویشاوندی در میان مردمان لرستان، باورها و زیست‌جهان خود را حول جهان هستی، زندگی، کار و معیشت شکل می‌داد و اجزای این زیست‌جهان در زمان و مکان‌های مختلف، هم‌خوانی و هم‌نواپی داشته است. اما با گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن و تغییرات ناشی از آن، کنش اقتصادی اجتماع سنتی،

یکی از نهادهای مقوم و محرک خود یعنی «خانواده» و از همه مهم‌تر نیروی «زنان» را از دست داد. در واقع یکی از تربیون‌های تبلیغ «کار به‌مثابه زحمت» در اجتماع به هم‌بسته لرستان، «زنان» بوده‌اند. در گذشته این جامعه، خیرات رایگان به اعضا داده نمی‌شد و کنش اقتصادی مشاعی خود را در هنگامه ضرورت از طریق شیوه تعاون و یاریگری مدیریت می‌کرد و از مجرای نسق‌های گوناگون مانند «زیه دوجا»^(۱)، «دوپا»^(۲) و «هوم گاو»^(۳)، فرصت کنشگری اقتصادی برای همه اعضای جامعه از جمله افراد فقیر و کم‌توان و زنان سرپرست خانوار فراهم می‌شد. این زنان در سازمان غیر رسمی و تعاونی سنتی با محور همیاری در زمینه تولید شیر (واره) نیز با هم همکاری داشتند. این امر باعث می‌شد تا فقر، مانع کنشگری نشود؛ زیرا نهادها و نسق‌های اجتماعی به صورت واقعی، هم‌زمان «فقرستیز» و «اعانه‌ستیز» بودند. از این‌رو با انهدام کسب‌وکارهای بوم‌زاد زن، اکنون پدیده بی‌نوایی و دریوزگی زنان در این استان شکل گرفته است. با فروپاشی نسق‌ها، مشاع‌ها و زوال اجتماع محلی، کنش‌های اقتصادی همیارانه، سخت‌کوشی، قناعت محلی و تولیدکننده سنتی تحدید شد و رقابت‌های اقتصادی مصرف‌گرا، گسسته و سودانگارانه و بی‌نوایی زنانه، جایگزین آن شد (ایار و عنبری، ۱۴۰۲: ۵۸-۵۶).

در واقع با وجود بیکاری و فقر روزافزون پنهان و آشکار، نه تنها غالب افراد شهری، که گاه متأسفانه حتی افراد روستایی ما نیز از انجام کارهای مولد تن نمی‌زنند و از کارهای پاره‌وقت و کم‌زحمت اما مفید نیز روی برمی‌گردانند و این تن‌زدگی به دلیل زخم‌هایی است که بر منزلت و جایگاه کار وارد آمده است (فرهادی، ۱۳۹۰: ۲۱).

علاوه بر فروپاشی مناسبات جمعی و مولد بودن زنان در بافت اقتصاد و مناسبات غیر رسمی تولید، «تکدی‌گری نشان‌دهنده فقر است» (ر.ک: Seni, 2017; Ojo & Benson, 2011; Bukoye, 2015; Kennedy & Fitzpatrick, 2017). شواهد موجود نشان می‌دهد که استان لرستان، جزء فقیرترین مناطق کشور است (نظم‌فر و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۵) و نرخ بیکاری آن، بالاتر از میانگین کشوری است (خوشچایانی و حسینی، ۱۳۹۹: ۶). استان لرستان به خاطر تداوم فقر و بیکاری و نرخ تورم بالا در سه سال اخیر از نظر شاخص فلاکت، رتبه نخست را در کشور داشته است. از این‌رو بسیاری از افراد به علت مشکلات درآمدی، معیشتی، فقر و مواردی از این قبیل از دیگر شهرستان‌ها به مرکز این استان

(خرم‌آباد) مهاجرت کرده‌اند. افزایش مهاجرت‌ها طی چند سال اخیر موجب اسکان بیشتر مهاجران در مناطق حاشیه‌نشین شهر خرم‌آباد شده است. در این شهر هم‌اکنون تعداد پانزده محله حاشیه‌نشین از جمله محله‌های دره‌گرم شرقی و غربی، فلک‌الدین و میدان تیر، جهانگیرآباد و پاچنار، اسدآبادی و کرگانه، کوی علی‌آباد و شمشیرآباد، اسبستان و پشته مطهری، گل سفید و پشت بازار و ماسور وجود دارد (روشن‌پور و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۳۴).

وضعیت اقتصادی اکثر خانوارها در این مناطق، زیر خط فقر است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷). جمعیت زیادی از ساکنان مناطق حاشیه‌نشین را زنان سرپرست خانوار، بدسرپرست و کولی‌ها و لوطی‌ها^(۴) تشکیل می‌دهند. بیشتر زنان سرپرست خانوار، بی‌سواد هستند یا سطح تحصیلات پایینی دارند. اکثر زنان سرپرست خانوار با فقر و مسائل مرتبط با آن روبه‌رو هستند و در ادبیات توسعه از آنها به عنوان فقیرترین اقشار یاد می‌شود (زمانی‌مقدم و افشانی، ۱۴۰۰: ۵۰).

آمارها نشان می‌دهد که میانگین تعداد فرزند برای هر زن سرپرست خانوار در لرستان، نسبت به میانگین کشوری نسبتاً بالاست و پس از استان‌های خوزستان و فارس، استان لرستان، بیشترین زنان سرپرست خانوار دارای معلولیت را دارد (معاونت برنامه‌ریزی و اطلاعات راهبردی، ۱۴۰۲: ۱۷). این زنان به دلیل بیکاری همسران، اعتیاد، از کار افتادگی و یا زندانی بودن، دسترسی نداشتن همسران به مشاغل پایدار و باثبات، نقش نان‌آور اصلی را بازی می‌کنند و بار مسئولیت زندگی را به دوش می‌کشند.

مشاهده‌های نویسندگان نشان می‌دهد که بسیاری از شوهران این زنان، نقش همسرداری خود را به خوبی ایفا نمی‌کنند. تعدادی از این مردان، زورگو، تن‌پرور، تنبل و معتاد هستند و زنان را وادار به تکدی‌گری می‌کنند. کنش تکدی‌گری زنان هرچند در کلان‌شهرها و سایر شهرستان‌ها بیشتر در وسط خیابان، بازار و مرکز شهر اتفاق می‌افتد، این پدیده در میان زنان متکدی خرم‌آباد بیشتر به صورت حضور در درب منازل مسکونی، مساجد، قبرستان‌ها، سوپرمارکت‌هاست. همچنین تکدی‌گری این زنان تنها به صورت نقدی نیست؛ بلکه ماهیت غیر نقدی نیز دارد. زنان متکدی با حضور در درب منازل و سوپرمارکت‌ها، اقلام مورد نیاز از قبیل برنج، قند، روغن، چای و مرغ را از دیگران درخواست می‌کنند.

شیوه‌های تکدی‌گری زنان در شهر خرم‌آباد بیشتر به صورت متکدیان بیمارنما (با نسخه‌های پزشکی برای تأمین هزینه‌های درمان و دارو)، متکدیان مظلوم‌نما (با ارائه چهره‌ی دردمند و ستم‌دیده)، متکدیان خانوادگی (با کودکان تکدی‌گری می‌کنند) و متکدیان اجباری (به اجبار شوهران یا فرزندان معتاد) است.

عده‌ای از این متکدیان، مهاجر شهرستان‌های دیگر لرستان (خصوصاً نورآباد) و استان‌های تبریز، سیستان و بلوچستان و حتی کشورهای همسایه مانند پاکستان، افغانستان و آذربایجان هستند. از جمله دلایل انتخاب شهر خرم‌آباد به عنوان مقصد مهاجرت برای تکدی‌گری، آب و هوای خوب آن است که متکدیان می‌توانند شب‌های سرد زمستان را بدون سرپناه تحمل کنند و دیگری، وجود بافت‌های قهوه‌ای^(۵) و فرسوده زیادی برای اسکان است که در مناطق حاشیه‌نشین شهر خرم‌آباد وجود دارد. از آنجایی که در شهر خرم‌آباد، خانواده‌های مهاجر، کمتر خود را مقید به نظام کنترل اجتماعی محله‌ای و خویشاوندی می‌دانند و شرمساری اجتماعی، نمود کم‌رنگ‌تری دارد، این امر به‌مثابه تسهیل‌کننده تکدی‌گری زنان عمل می‌کند.

تعدادی از این زنان که جزء گروه‌های اقلیت لوطی‌ها و کولی‌ها هستند و خاستگاه قومی و خویشاوندی آنها، خارج از قوم لر و لک است، سنخ دیگری از زنان متکدی را دارند. زنان و دختران لوطی و کولی در خرم‌آباد، از جمله گروه‌های اجتماعی فرودستی هستند که از روابط همسایگی، در سطح روابط بین‌فردی و بین‌خانوادگی مانند جشن‌ها، مراسم و مناسک عرفی مردم خرم‌آباد، نقش و جایگاهی ندارند و تعاملات نامولد، زیست در حاشیه را برای آنها رقم زده است. فضای مبتنی بر حمایت و همدلی اجتماعی از یک‌سو و وجود غریبه‌نوازی و حس ترحم آنان موجب شده که عمده‌تأ این زنان، کمک‌های نقدی و غیر نقدی خوبی را دریافت کنند و انگیزه زیادی برای تکرار عمل تکدی‌گری داشته باشند.

این زنان، وظیفه نان‌آوری، کار خانگی، فرزندپروری و مراقبت از فرزندان و سالمندان را نیز برعهده دارند. فشار مضاعف، تنهایی و طردشدگی اجتماعی، کاهش حمایت اجتماعی، احساس ناامنی و درماندگی، خشونت‌پذیری، احساس شکست در ایفای نقش مادری و ترس و نگرانی‌های مداوم از آینده خود و فرزندان، آنان را در معرض انواع

آسیب‌های جسمی، روحی- روانی و اجتماعی قرار داده است. تکدی‌گری این زنان، پیامدها و آسیب‌های مختلف دیگری از قبیل روسپی‌گری، اجبار به فحشا حاملگی‌های ناخواسته، واسطه‌گری و جذب باندهای قاچاق، اعتیاد، سرقت، طلاق، احساس بی‌هویتی و بیمارهای واگیردار را برای آنان نیز دارد.

تکدی‌گری زنان فارغ از پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی‌ای که دارد، موجب خدشه بر سیمای شهری شده و چهره زشتی را از شهر به نمایش می‌گذارد. وجود این پدیده در شهر گردشگرپذیر خرم‌آباد، علاوه بر اغتشاش بصری سیمای شهری می‌تواند موجب مزاحمت و دل‌زدگی گردشگران و بازدیدکنندگان از اماکن گردشگری و در درازمدت، کاهش ورود گردشگران را به دنبال داشته باشد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که: زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری پدیده تکدی‌گری زنان در شهر خرم‌آباد چگونه است؟

پیشینه پژوهش

در بیان مسئله به تحقیقاتی اشاره شد که تکدی‌گری و علل آن را در ایران و کشورهای دیگر بررسی کرده‌اند. این نشان‌دهنده اهمیت بالای این پدیده در جوامع مختلف است. از این‌رو تحقیقات متنوعی در این‌باره انجام شده است. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره شده است.

عشایری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی فرهنگ تکدی‌گری خیابانی: مرور سیستماتیک پژوهش‌های تجربی» به مطالعه فرهنگ تکدی‌گری خیابانی پرداخته‌اند. بر این اساس، عوامل فرهنگی (فرهنگ فقر، خشونت نمادین و خشونت فرهنگی علیه متکدیان محرومیت فرهنگی، سبک زندگی روزمرگی، تعلق و پذیرش در خرده‌فرهنگ خیابانی و عادت‌واره فرهنگی)، اجتماعی (کژکارکردی ساختاری، ناتوانایی اجتماعی در سامان‌دهی بیکاری، طرد اجتماعی، بی‌سازمانی خانوادگی، فروپاشی سرمایه اجتماعی و فقدان هویت اجتماعی)، اقتصادی (فضای کسب‌وکار نامساعد، تضاد و شکاف طبقاتی، محرومیت نسبی، بیکاری، ناامنی شغلی، ناپایداری شغلی و فقدان توان سرمایه‌گذاری مالی) و روانی (احساس بی‌منزلتی، داغ

ننگ، احساس هویت ضایع شده، عزت نفس پایین، احساس بیگانگی و نفرت اجتماعی) در ظهور و تداوم چرخهٔ فرقهٔ تکدی‌گری خیابانی مؤثر بوده است.

رستمی‌نیا (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل و تبیین عوامل اثرگذار بر تکدی‌گری شهری در کوه‌دشت» نشان می‌دهد که تکدی‌گری، ریشه در عوامل متعددی چون فقر، بیکاری، ساختار اجتماعی خانواده و بی‌عدالتی اجتماعی دارد. نتایج نشان داد که در میان عوامل اثرگذار بر بروز وضعیت تکدی‌گری، عامل اقتصادی و فقدان عدالت اجتماعی در سطح کلان از اثرگذارترین عوامل است.

نواصر (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «واکاوی ریشه‌ها و پیامدهای تکدی‌گری در شهر اهواز» انجام داده است. روش این پژوهش، کیفی و از نوع نظریهٔ زمینه‌ای است. با استفاده از نمونه‌گیری نظری، تعداد دوازده نفر زن و مرد انتخاب شد و با استفاده از مصاحبه عمیق، داده‌ها جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که تکدی‌گری، مسئله‌ای اجتماعی-اقتصادی است و عوامل دیگری از قبیل مدیریت ضعیف خانواده و حمایت نشدن نهادی (بهزیستی، کمیته امداد و...) در شکل‌گیری آن مؤثر است.

دارتا نانگلکونگ و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تکدی‌گرایی خیابانی: (مطالعه موردی: شهرداری بولگاتانگا)» به بررسی موضوع تکدی‌گرایی خیابانی در شهرداری بولگاتانگا، شهر پایتخت پرداخته‌اند. روش این پژوهش، کیفی بود و از ابزار مشاهده و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که اکثریت متکدیان، غیر غنایی و از کشورهای همسایه هستند. مسئله تکدی‌گری خیابانی، ریشه در عوامل مختلفی از قبیل فقر، ناتوانی، وابستگی مذهبی و فرهنگ دارد. استدلال این پژوهش آن است که دولت محلی و سیاست‌گذاران به جای مداخلات درمانی و توان‌بخشی باید بر پیشگیری و مداخله‌های هدفمند متمرکز شوند. همچنین افراد مهاجر در مرزها به دقت بررسی شوند تا از داشتن مهارت‌های شغلی اطمینان حاصل شود که به آنها این توانایی را می‌دهد که شغل و منابع امن معیشتی را به دست آورند.

گابریل و همکاران^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «مشخصه‌های عینی ویژگی‌های

اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی تکدی‌گری خیابانی در شهر آکوره نیجری» به بررسی ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی مسئله تکدی‌گری در کلان‌شهر آکوره واقع در جنوب نیجریه پرداختند. این پژوهش با روش پیمایش و نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، حجم نمونه، ۲۴۰ نفر از متکدیان خیابانی انتخاب شد. نتایج نشان داد که تکدی‌گری در میان بی‌سوادان بیشتر و فقر، دلیل اصلی تکدی‌گری است. با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که آموزش‌های حرفه‌ای، کسب مهارت‌های شغلی، حمایت و افزایش آگاهی عمومی و حساس نمودن مردم نسبت به اثرات منفی تکدی‌گری خیابانی، ساخت مراکز توان‌بخشی و اقدامات سیاستی با هدف فقرزدایی در دستورکار قرار گیرد.

روبینا اقبال (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان «تکدی‌گری: تهدیدی در حال رشد در هند»، نتیجه گرفته است که ریشه این معضل، بی‌عدالتی و نابرابری است. نیرویی که باعث می‌شود مردم فقیر، تکدی‌گری را راهی برای امرار معاش انتخاب کنند، فقر است و برای حل این معضل، قانون کفایت نمی‌کند، بلکه اعتقادات مذهبی هندی‌ها باعث شده است که آنها به افراد فقیر کمک کنند و بین متکدیان، غذا توزیع نمایند.

بالتازار و ماسکی^۱ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «طبقه‌بندی متکدیان خیابانی و عوامل مؤثر بر تکدی‌گری خیابانی در تانزانیا» با استفاده از روش کیفی به این نتیجه رسیدند که پدیده تکدی‌گری، نتیجه چندین عامل از قبیل فقر، بیکاری، مشکلات فیزیکی، مرگ پدر و مادر و فروپاشی خانواده و موارد مشابه است.

در جمع‌بندی و نقد تحقیقات پیشین باید گفت که تاکنون پژوهشی درباره تکدی‌گری زنان در شهرستان خرم‌آباد انجام نشده است. از این‌رو در این پژوهش، درباره شناسایی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری پدیده تکدی‌گری زنان مطالعه شده است. مروری نقادانه به تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که اغلب این تحقیقات از نظر روش تحقیق، با روش کمی انجام گرفته‌اند. از آنجا که این پدیده نیازمند فهم عمیق از شرایط، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است، بنابراین استفاده از رویکرد کیفی ضرورت دارد. بیشتر این تحقیقات به صورت عام به تکدی‌گری، هم در میان زنان و هم مردان پرداخته‌اند و مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی را

هم‌زمان بررسی کرده‌اند. از این‌رو فهم عمیقی از این پدیده ارائه نکرده‌اند. نگاه جرم‌انگارانه در برخی از تحقیقات برجسته است، در صورتی این پدیده، اجتماعی است و رویه‌های جرم‌انگارانه، بیشتر ماهیت حقوقی دارند تا جامعه‌شناختی. در برخی از تحقیقات، محققان با نوعی تقلیل‌گرایی روبه‌رو هستند؛ گویی که تكدی‌گری، ماهیت فردی و ناشی از روحيات روان‌شناختی افراد است. در نهایت از نظر مبانی و چارچوب نظری، تحقیقات پیشین به‌درستی نتوانسته‌اند بین رویکردهای ساختاری و رویکردهای تفسیری، پیوند برقرار کنند و در تحلیل نظری با ناکامی‌های روبه‌رو شده‌اند. از این‌رو بیشتر با نتایج عام و همسانی روبه‌رو هستیم.

مبانی نظری

با توجه به اینکه تكدی‌گری، رفتاری مغایر با هنجارهای مرسوم و پذیرفته‌شده اجتماعی است، بنابراین رفتاری کجروانه و نوعی آسیب اجتماعی تلقی می‌شود. ذکر این نکته لازم است که تكدی‌گری، کنشی است که عامدانه انجام می‌گیرد. از این‌رو ملاحظات نظری باید بر ساخت این کنش را قبل، حین و بعد از تكدی‌گری نشان دهند. بنابراین این کنش، امری صرفاً فردی نیست؛ بلکه بار اجتماعی و اقتصادی قدرتمندی دارد که از فرهنگ این دسته از افراد، کنش‌های افرادی که به این افراد کمک می‌کنند و نیز ساختار اقتصادی و اجتماعی موجود برمی‌خیزد. به همین دلیل می‌توان از رویکردهای زیر برای حساسیت‌های نظری استفاده کرد: «رویکرد فرهنگ فقر به منظور زیست‌جهان موجود تكدی‌گرایان، رویکرد فشار عمومی ساختار اقتصادی و اجتماعی نابرابر و رویکرد برجسب‌زنی کنش‌های افراد بیرونی برای کمک کردن و یا نکردن به آنها».

فرهنگ فقر

از منظر جامعه‌شناختی، تكدی‌گری، زائیده فقر اقتصادی بوده و از طرفی تبدیل به فرهنگ شده است. بنابراین تكدی‌گری در ارتباط با فقر اقتصادی و فرهنگی قرار می‌گیرد (ر.ک: Kanbur & Venables, 2005). این زنان عمدتاً از مناطق خاصی از شهر خرم‌آباد هستند که این مناطق دارای خصوصیات اجتماعی و فرهنگی و نیز اقتصادی خاصی است که مناسبات اجتماعی فقیرانه، آنها را بازتولید می‌کند. «نظریه فرهنگ فقر

به طور خلاصه بر این نکته تمرکز می کند که نقش عوامل غیر اقتصادی (فرهنگی- اجتماعی) کمتر از عوامل اقتصادی نیست. ناامیدی، بی تفاوتی، ترس، آسیب پذیری فرهنگی، بسترهای آسیب پذیری مادی و اقتصادی را فراهم می کنند» (عنبری و بقایی، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

فقر اجتماعی، زاییده روابط اجتماعی، فقدان اعتماد، تضعیف شبکه های اجتماعی و ساختار نامناسب جامعه است. از دید اسکار لوئیس، فرهنگ فقر به عنوان صفت درهم تنیده اجتماعی، اقتصادی و روان شناختی است که ویژگی آن باعث بیکاری طولانی، تزلزل در روابط خانوادگی، درماندگی و احساس وابستگی به دیگران و پایین بودن سطح مشارکت اجتماعی و در نهایت از دست دادن اعتماد به نفس و بیگانگی از جامعه می شود (رضوی، ۱۳۷۷: ۱۰۱).

فقر، شغل خیابانی و اقدام به کارهای پست روزمره را به امری بدون مسئله در نگاه بیکاران، معلولان و فقرا تبدیل می کند. متکدیان، خود را به صورت خودآگاهانه ستایش نمی کنند، بلکه به صورت ناآگاهانه آن را حفظ می کنند. از نظر لوئیس، یکی از ویژگی های اصلی و مهم این فرهنگ، عدم مشارکت اجتماعی است. این شرکت نکردن ناشی از عوامل گوناگونی از جمله نبود منابع و توانایی های اقتصادی، جدا نگه داشتن فقرا و تبعیض، ترس و بدگمانی است. در واقع متکدیان، شیوه زندگی و خرده فرهنگ خاص خود را دارند. تکدی گری در خیابان باعث تمسخر زبانی از طرف عموم، آسیب های روحی و جسمی از طرف مأموران شهرداری و پلیس، آفتاب سوختگی و سرمازدگی در طول شب، سوءاستفاده جنسی و فریب جنسی شده است. پس داشتن سرمایه مالی برای شروع شغل کوچک، داشتن حمایت کننده از خودشان و فرزندان شان، داشتن شغل و پناهگاه از آرزوهای گدایان است و عواملی همچون فقر مالی، مهاجرت، ناهمگونی قومی، بیکاری، معلولیت جسمانی و بی اعتمادی از عوامل شیوع گدایی است (ر.ک: Namwata & Mgabo, 2011).

فشار عمومی

فشار عمومی از دیگر رویکردهای مورد نظر در این پژوهش است که رابرت اگنیو^۱ آن را معرفی کرد. بر اساس این رویکرد، برای فهم پدیده تکدی گری بر نیروهای اجتماعی و

فشارهای اجتماعی بیرون از فرد که به صورت ساختاری بر او تحمیل می‌شود تأکید می‌شود. برای مثال، بدسرپرستی و یا تنگ‌های مالی که زنان را به سمت خیابان می‌کشاند، فشارهای ساختاری‌ای است که این زنان با آنها روبه‌رو هستند. طبق این رویکرد، بین ابزار و اهداف، شکاف وجود دارد و فشارهایی که می‌تواند از منابع مختلف بر فرد تحمیل شود، منجر به کسب درآمد از مسیر نامشروع و رفتار تکدی‌گرایانه می‌شود. پس زمانی که فرد متکدی از راه‌های مشروع و مقبول (همسران یا دسترسی به شغل مناسب یا کمک نهادهای حمایتی) به اهداف خود نمی‌رسد، سعی دارد تا از طریق مسیرهای نامتعارف به اهداف خود (سامان‌دهی وضعیت اقتصادی خود) برسد.

اگنیو در این نظریه معتقد است که فشار عمومی به عنوان تعاملات منفی با دیگران تعریف می‌شود؛ روابطی که در آن، دیگران آنگونه که فرد می‌خواهد با او رفتار شود، رفتار نمی‌کنند (Agnew, 1992: 48). برخلاف نظریه‌های فشار پیشین که بر فشار اقتصادی متمرکز بود، اگنیو بر پیچیده بودن رفتار در جامعه مدرن تأکید داشت. به همین سبب او در نظریه فشار عمومی خود به سه منبع اصلی فشار اشاره می‌کند:

۱- فشار ایجادشده به خاطر شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت: اگنیو استدلال می‌کند که نرسیدن به اهداف ارزشمند مثبت، اولین نوع فشار در نظریه فشار عمومی است. این نوع از فشار به سه مقوله فرعی تقسیم‌بندی می‌شود که عبارتند از گسست میان آرزوها و توقعات، شکاف میان توقعات و دستاوردهای واقعی و شکاف میان پیامدهای مورد انتظار و پیامدهای واقعی (Agnew, 1992: 48).

۲- فشار در نتیجه حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت: دومین منبع فشار ناظر به حذف محرک‌های ارزشمند مثبت است. این نوع از فشار ناشی از ترس از دست دادن یا از دست دادن واقعی محرک‌های ارزشمند مثبت است. بنا بر دیدگاه اگنیو، افراد ممکن است بکوشند تا مانع حذف این نوع از محرک‌ها شوند. در نتیجه برای نیل به هدف ممکن، خودشان را در اعمال و کارهای خلاف درگیر کنند (Agnew, 1992: 48). برای مثال از دست دادن دوست، مرگ یا بیماری شدید یک دوست، انتقال به یک مدرسه جدید، طلاق یا جدایی والدین، اخراج شدن از مدرسه و وجود شرایط ناسازگار متنوع در کار می‌تواند موجب فشار شود.

۳- فشار در نتیجه وجود انگیزه منفی: فشار با حضور محرک‌های منفی یا مضر نیز ایجاد می‌شود؛ مثل کودک‌آزاری، بزه‌دیدگی، تنبیه بدنی، دعوای خانوادگی و دعوای بین همالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی، از تهدیدهای زبانی گرفته تا آلودگی هوا (Siegel, 1997: 18).

برچسب‌زنی

این رویکرد از این حیث به فهم مناسبات تکدی‌گری کمک می‌کند که ارزش‌ها، هنجارها و مناسبات اجتماعی و تضاد منافع حول تکدی‌گری را بر ساخت می‌کند و از این حیث کاهش شرم و برچسب اجتماعی، تعاملات اجتماعی، نگاه مردم و کمک آنها به این افراد و غیره را تشریح می‌کند.

برچسب‌زنی، کجروی را نه به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های افراد یا گروه‌ها، بلکه به عنوان یک فرایند کنش متقابل میان کجروان و ناکجروان تبیین می‌کند. به نظر آنها برای درک ماهیت کجروی باید ببینیم که چرا به بعضی افراد برچسب کجروی زده می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۳۱). از این منظر و با توجه به رویکرد پژوهش، «برچسب‌زنی، نظریه‌ای پیشگیرانه در زمینه تکدی‌گری به شمار می‌رود؛ یعنی ما می‌توانیم با جلوگیری از رفتارهای امدادی مستقیم خود به برخی افراد، مانع از شکل‌گیری طبقه‌ای به اسم «متکدیان» شویم. طبقه‌بندی رفتار برخی افراد در قالب «تکدی‌گری» در واقع همان سنجی است که ما شهروندان با رفتار خود برمی‌سازیم. یعنی ما با کمک کردن خود به برخی افراد در قالب پول، کالا و امثال آن، طبقه‌ای را به وجود می‌آوریم که برای تأمین معاش خود به این فعالیت گرویده می‌شوند (حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۶: ۳۴).

زیمل طبق سنخ‌شناسی خود و برچسب ناشی از سنخ‌های مختلف اشاره می‌کند: کمک به متکدی، نوعی احساس تکلیف از سوی شهروند، هم نسبت به خود و هم نسبت به فرد متکدی است. در حقیقت با کمک به متکدی، نوعی احساس و القای اخلاقی به فرد دست می‌دهد. یعنی هنگامی که عمل مساعدت به متکدی از هر نوعی انجام شود، هرچند خودانگیزه و فردی و نه به اقتضای هیچ وظیفه‌ای باشد، تکلیفی برای ادامه دادن آن پدید می‌آید؛ تکلیفی که نه تنها ادعا از جانب کسی است که مساعدت را دریافت می‌کند، بلکه همچنین احساسی است از جانب کسی که مساعدت می‌کند.

تجربه‌ای عمومی است که متکدیانی که به طور منظم به آنان صدقه داده می‌شود، پس از مدت کوتاهی، این را حق خودشان و وظیفه صدقه‌دهنده می‌دانند و اگر صدقه‌دهنده، این تعهد فرضی را به‌جا نیاورد، آن را عدم اعطای سهم شایسته خود تفسیر کرده، نسبت به وی احساس ناخوشایندی می‌کنند؛ احساسی که حتی نسبت به کسی که همیشه از صدقه دادن از آنها دریغ ورزیده است، نداشتند (حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۴).

در مجموع با توجه به سه رویکرد بالا، ملاحظات نظری این پژوهش بر این مبنا قرار دارد که تکدی‌گری، کنشی است که معطوف به هدف و بر اساس رویه‌های خاصی است که در ابتدا تکدی‌گران به دلیل فشار ساختاری ناشی از دسترسی نداشتن به درآمد مشروع و مولد در دام فقر گرفتار می‌شوند. در ادامه، این کنش به دلیل فقر فرهنگی و فرهنگ فقر آنها در یک اجتماع هم‌بسته نهادینه شده و با کاهش شرم و برجسب اجتماعی، شرایط را برای آنها هموار می‌سازد که بدون ترس و یا ارزش‌های اجتماعی منفی حول این پدیده، از این طریق کسب درآمد کنند.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر به کیفی است. پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و برحسب هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است. از نظر زمانی نیز مقطعی است. جامعه مورد مطالعه، کلیه زنان متکدی در شهر خرم‌آباد بودند. نمونه‌گیری به شیوه «هدفمند» انجام شد و تعیین حجم نمونه نیز بر اساس اشباع و تکرار داده‌ها انجام شد (۱۵ مصاحبه). بدین ترتیب زمانی که با تکرار داده‌ها در مصاحبه‌ها مواجه شدیم، روند مصاحبه‌ها را قطع کرده، به کدگذاری آنها پرداختیم. نوع مصاحبه‌ها به صورت «مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته» انجام گرفت. لازم به ذکر است که هر یک از زنان مورد نظر به صورت حضوری و بر اساس تمایل به مصاحبه، داشتن قدرت تکلم و گفت‌وگو، تجربه بیش از یک سال تکدی‌گری و داشتن اطلاعات غنی، در پژوهش شرکت داده شده و داده‌ها ضبط و یادداشت‌برداری شد.

برای کدگذاری و تحلیل داده‌ها از فن تحلیل «مضمون» یا «تماتیک» استفاده کردیم. بر این اساس ابتدا روی کاغذ آوردن و خواندن سطر به سطر داده‌ها برای رسیدن به یک درک منسجم از متن مصاحبه‌ها انجام گرفت. سپس مهم‌ترین واحدهای معنادار (که

می‌تواند یک عبارت و یا یک کلمه باشد) از متن جدا و دسته‌بندی شد و کدهای باز و اولیه استخراج شد. در ادامه، استخراج مقوله‌ها و بازنگری آنها انجام گرفت و با تعریف و نام‌گذاری آنها، مقوله‌های استخراج‌شده در یک فرایند نظام‌مند در قالب متن و گزارش ارائه شد. در روند کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۳۰۴ کد باز، ۳۰ مقوله فرعی و ۷ مقوله اصلی استخراج شد. برای اعتبارسنجی داده‌ها نیز از فنونی همچون بازبینی مجدد توسط برخی از شرکت‌کنندگان، بازبینی توسط متخصصان و بهره‌گیری از آنها برای بازبینی کدها و استخراج مضامین، وضوح استنادپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد. در نهایت به منظور تأمین اخلاق پژوهش، محرمانه بودن مشارکت‌کنندگان، ممانعت از افشای اطلاعات، مجبور نبودن به مصاحبه، توجه به شرایط کاری افراد مورد مطالعه و نیز ثبت کامل اطلاعات (بدون مداخله در کم و کیف داده‌ها) انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها در دو قالب یافته‌های توصیفی و یافته‌های تفسیری ارائه شده است. یافته‌های توصیفی به مشخصات زمینه‌ای زنان متکدی برمی‌گردد که شامل سن، درآمد، اشتغال قبلی، سابقه اعتیاد، نوع مسکن، سطح تحصیلات، سابقه بازداشت و قومیت است. یافته‌های تفسیری نیز ناشی از کدگذاری و استخراج مقوله‌ها و تدوین گزارش است که پس از یافته‌های توصیفی ارائه شده است.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی در قالب جدول زیر ارائه شده است و مشخصات سنی، درآمدی، شغل قبلی، نوع مسکن، تحصیلات، سابقه اعتیاد، سابقه بازداشت و قومیت گزارش شده است.

جدول ۱- مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

سن	درآمد	شغل قبلی	نوع مسکن	تحصیلات	سابقه اعتیاد	سابقه بازداشت	قومیت
۱۸	۶	خانه‌دار	استیجاری	بیسواد	دارد	بله	افغانستان
۲۸	۷	خانه‌دار	استیجاری	راهنمایی	ندارد	بله	لر
۳۷	۷	خانه‌دار	استیجاری	دیپلم	ندارد	بله	لک
۵۰	۶	دست‌فروش	استیجاری	دیپلم	دارد	خیر	پاکستان
۳۹	۵	دست‌فروش	ملکی	دیپلم	دارد	خیر	لر
۴۱	۴	فروشنده مغازه	استیجاری	لیسانس	دارد	بله	سیستان و بلوچستان
۴۷	۵	خانه‌دار	استیجاری	دبیرستان	دارد	بله	افغانستان
۵۷	۵	خانه‌دار	استیجاری	دبیرستان	ندارد	بله	لک
۲۹	۸	دست‌فروش	ملکی	دیپلم	دارد	خیر	پاکستان
۳۳	۷	فروش مواد	استیجاری	راهنمایی	دارد	بله	لک
۴۰	۹	کارخانگی	ملکی	راهنمایی	ندارد	خیر	لر
۴۴	۴	خانه‌دار	استیجاری	بیسواد	دارد	خیر	تبریز
۵۶	۵	کارخانگی	استیجاری	راهنمایی	دارد	خیر	لک
۳۵	۷	دست‌فروش	استیجاری	فوق دیپلم	ندارد	خیر	لر
۶۲	۶	فروش مواد	استیجاری	دیپلم	ندارد	بله	سیستان و بلوچستان

یافته‌های تفسیری

در روند کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۳۰۴ کد باز، ۳۰ مقوله فرعی و ۷ مقوله اصلی استخراج شد. در ادامه، جدول مضامین فرعی و اصلی ارائه شده و سپس به تفسیر مضامین اصلی پرداخته‌ایم.

جدول ۲- مضامین فرعی و اصلی

مضامین اصلی	مضامین فرعی
تعارض عقلانیت ارزشی مذهبی	بالا بودن تعلقات دینی به کارگیری الفاظ مذهبی قسم دادن و التماس دینی دعا برای سلامتی و بدرقه
تعاملات نامولد	روابط محدود اهمیت نداشتن برای نزدیکان مورد احترام نزدیکان قرار نگرفتن بی‌تعلقی به نزدیکان ناکامی در توسعه شبکه روابط اجتماعی
کاهش شرم و برچسب تکدی‌گری	عدم نظارت غیر رسمی پذیرش تدریجی تکدی‌گری تعدیل نگاه‌های اجتماعی ترحم اجتماعی به متکدیان
بی‌سرپرستی و بدسرپرستی	بیماری همسر نداشتن مراقب و سرپناه مناسب تشویق شوهر و پدر اعتیاد همسر اعتیاد فرزندان
نداشتن مهارت شغلی	سواد و آموزش پایین نداشتن ابزار کار و درآمد نداشتن سابقه کاری دنبال شغل نرفتن
تکدی‌گری به مثابه درآمد آسان	دریافت بی‌دردر پول نیاز ضروری به درآمد دوری از سختی‌های کار روزمه بودن و نماندن تا آخر ماه

فقر نسلی	نداشتن درآمد کافی تأمین نیازهای اساسی حمایت نکردن دولت هزینه‌های اجاره و مسکن
----------	--

۱- تعارض عقلانیت ارزشی مذهبی

در استان لرستان، علقه‌های دینی و مذهبی همچنان قوی است. افراد بر اساس جامعه‌پذیری دینی خود همواره به سوی کمک، مساعدت و ارائه کنش‌های نوع‌دوستانه گرایش عملی دارند. از این‌رو افراد متکدی با شناخت از این حساسیت‌های دینی از افراد کسب درآمد می‌کنند. متکدیان با استفاده از نمادهای دینی در اطراف خود همچون عکس امامان، پارچه سبز و یا با قسم دادن به ائمه^(ع) از این تعلقات دینی سوءاستفاده کرده، گاه مبالغ قابل توجهی از مردم دریافت می‌کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: «اینکه من خرم‌آباد رو برای گدایی کردن انتخاب کردم، به خاطر اینکه من می‌دونم که مردم خرم‌آباد مردمی هستند که براشون امامان و خدا مهمه و همچنین ارادت خاصی به اهل بیت^(ع) دارند و راحت‌تر می‌تونم از اونا پول بگیرم».

افراد متکدی با شعائر دینی و مذهبی، افراد را ترغیب می‌کنند که کمک‌های آنها نوعی ادای احترام به اهل بیت^(ع) است. این امر، نوعی کنش هدفمند از سوی آنها محسوب می‌شود که درخواست‌های خود را به کرسی بنشانند. افزون بر این گاه با دعا‌های خاص برای سلامتی و یا دعا‌های خاص برای نفرین افرادی که کمک نمی‌کنند، نوعی تضاد و تعارض در عقلانیت دینی افراد ایجاد می‌کنند؛ به این معنا که دعای آنها، روز افراد را خوش و یا منجر به بداقبالی و ضرر مالی و جانی آنها می‌شود. در این حالت، افراد سعی می‌کنند که به آنها کمک کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۵: «من که اصالتاً بچه سیستان و بلوچستان هستم، می‌دونم که خرم‌آبادی‌ها، ارادت خاصی به اهل بیت^(ع) خصوصاً حضرت عباس^(ع) دارن و نسبت به اسم اهل بیت^(ع) حساس هستند. سعی می‌کنم به اسم اونها قسم‌شون بدم که بهم کمک کنن».

«صبح‌های زود که بیشتر مردم می‌رن دنبال کاراشون و به دادن صدقه معتقدن، دستم و بالا میارم و به حق امیرالمومنین^(ع) براشون دعا می‌کنم. اونها هم برای صدقه که بوده، بهم کمک می‌کنن».

۲- تعاملات نامولد

تعاملات نامولد به معنای قرارگیری در شبکه‌ای از روابط با اطرافیان است که امکان رشد و توسعه سلامت اجتماعی و روابط مولد اجتماعی را از اینگونه از زنان سلب کرده است. متکدیان از نظر سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی، وضعیت مناسبی ندارند. از این‌رو امکان کسب درآمد و حتی مهارت‌های شغلی (به این مضمون مراجعه کنید) را از دست داده‌اند. تعاملات آنها بیشتر در میان افرادی است که فاقد کنش‌گری مولد و زبایی اقتصادی هستند. از این حیث، آنها در زنجیره‌ای قرار دارند که امکان فراروی از شرایط موجود را به آنها نمی‌دهد.

مشارکت‌کننده شماره ۲: «من در شرایطی هستم که خانواده و اقوام هم وضع خوبی ندارن. یه جورایی همه فقیر و بی‌کارن. الان اینقدر طعنه، کنایه و نیش‌خند می‌شنوم که مجبور شدم با همه اطرافیان و همسایه‌ها رفت و آمدم رو قطع کنم و حتی دیگران هم تمایلی ندارن با من ارتباط داشته باشن و الان منزوی و افسرده شدم».

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: «من قبلاً مداح جلسات روضه خانگی بودم؛ متأسفانه به خاطر شرایط و بدهی مالی پسر و اینکه همسرم معتاده، شروع به درخواست کمک مالی از مردم کردم».

۳- کاهش شرم و برجسب تکدی‌گری

از دیگر مضامینی اجتماعی در شکل‌گیری و گسترش پدیده تکدی‌گری، کاهش شرم و برجسب اجتماعی است. قبلاً تکدی‌گری، امری محدود و عمدتاً به صورت دوره‌گردی بود. اما امروزه این پدیده با گسترش زیادی روبه‌رو شده و افراد همچون قبل نسبت به آن شرم چندانی ندارند. علاوه بر این نحوه برخورد شهروندان نیز گاه با متکدیان با ترحم و بذل و بخشش است. این امر، تصورات شهروندان و متکدیان از این امر را تعدیل کرده و شرایط را برای پذیرش اجتماعی آن فراهم کرده است.

مشارکت‌کننده شماره ۲: «چرا بهم بربخوره؟ مردم خودشون پول میدن. مگه کسی رو مجبور کردم؟ مردم به ما غذا هم میدن. من راحتم و حرف بقیه برام مهم نیست. دارم حقم رو می‌گیرم. کسانی باید شرم کنن که برا ما کار جور نمی‌کنن».

مشارکت‌کننده شماره ۵: «من اصلاً شرمنده نیستم، خیلی راحت کارمو انجام میدم. شما خودتون بچه دارید. بچه‌ها خرج دارن، لباس می‌خوان، غذا می‌خوان. چرا باید شرمنده باشم، وقتی دارم برا بچه‌هام، لقمه نونی درمیارم».

شرایط اقتصادی نیز خود منجر به این شده که این زنان مجبور شوند به تکدیپردازند و از این‌رو از منظر خود و دیگران نباید با حس تنفر و انزجار با آنها برخورد کرد. اجبار به کسب درآمد منجر به این شده که شرم آن کاهش یابد. در کنار این امر باید به فقدان نظارت اجتماعی توجه کرد که به رشد تدریجی این پدیده انجامیده و شرایط را برای نهادینه‌سازی آن فراهم ساخته است. از این‌رو تکدی‌گری با ترحم و توجه دیگران به متکدیان از یک‌سو و عدم نظارت بر این‌دست از افراد از سوی دیگر، همچون گذشته با شرم و برچسب‌چندانی روبه‌رو نیست. زنان شاغل در این کار، خود را ذی‌حق دانسته، از این طریق با موجه‌سازی آن، شرم تکدی‌گری را کم‌رنگ کرده، از این طریق برای خود کسب درآمد می‌کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۴: «من اگر کارم بد بود که تا الان شهرداری نمی‌گذاشت کار کنم. البته فقط یکی دوبار گفتن که اینجا وایست. من به این پول برای بچه‌هام و هزینه‌های خونه نیاز دارم. هیچ‌چیز و حرف هیچ‌کس هم برام مهم نیست. اگه مهم بود که نمیومدم».

۴- بی‌سرپرستی و بدسرپرستی

از دیگر مضامین مهم، بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی متکدیان است. این‌دست از زنان عمدتاً همسرانی دارند که یا در زندان هستند و یا اینکه به اشتغال غیر رسمی و غیر قانونی همچون خرید و فروش مواد مخدر می‌پردازند. علاوه بر این برخی از این زنان همسر ندارند یا همسر آنها معتاد به مواد مخدر است. در این حالت، نوعی اجبار به کار و

کسب درآمد در بین آنها ایجاد شده است. در بی سرپرستی، زنان به عنوان نان‌آور خانواده هستند. از این منظر، باید نیازهای اقتصادی خانواده را تأمین کنند. در بدسرپرستی، مرد و شوهر فاقد قدرت نان‌آوری است و به اقتصاد خانواده، کمک چندانی نمی‌کند. بنابراین زنان مجبور به کار و کسب درآمد هستند.

مشارکت‌کننده شماره ۱: «همسرم معتاده و نمی‌تونه راه بره. چند بار بردیم

ترک کنه، اما دوباره شروع کرده. این بچه‌ای که کنارمه، نیاز به هزینه و خرج

داره. منم دوست ندارم بیارم خیابون و این‌طوری گدایی کنم. مجبورم».

زنان بی سرپرست و بدسرپرست، با ورود به تكدی‌گری، نقش شوهر را ایفا می‌کنند. این جابه‌جایی نقشی، امر دل‌خواهی نبوده، از این حیث با نوعی اجبار روبه‌رو هستند و در صورتی که نیازهای حداقلی آنها تأمین شود، از این کار پرهیز می‌کنند. علاوه بر این این کار را به صورت موقتی انجام می‌دهند و این اندیشه را در ذهن دارند که با تغییر شرایط اقتصادی، از این کار دست بکشند. از این‌رو فقدان سرپرست و سرپرست بد، باعث شده که خیابان را به عنوان منبع درآمد موقتی خود تعریف کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱: «من اگه شوهرم زنده بود و یا اینکه بابام هم

فوت نمی‌کرد، نمیذاشتن اینجا بیام. همسرم کار می‌کرد و نونی برای

خوردن داشتیم. پدرم هم دو سال بعد از همسرم فوت کرد و کلاً افسرده

شدم. الانم مجبورم کار کنم».

مشارکت‌کننده شماره ۳: «شوهرم اعتیاد داره، قبلاً برای تأمین هزینه مواد

و معیشت زندگی‌مون، مادر مسن و معلولش رو می‌آورد و جلوی بیمارستان

می‌گذاشت تا براش گدایی کنه؛ ظهر هم براش غذا می‌برد و هر روز

مادرشوهرم مقداری از درآمد حاصل از گدایی رو به شوهرم می‌داد. از وقتی

که مادر شوهرم به رحمت خدا رفته، من و میاره اینجا میزاره که براش

گدایی کنم».

۵- نداشتن مهارت شغلی

داشتن شغل ثابت و با درآمد خوب مستلزم داشتن تحصیلات و مهارت شغلی است؛ این چیزی است که زنان تكدی‌گر فاقد آن هستند. این زنان عمدتاً در کسب شغل

آبرومند ناکام مانده‌اند و از این حیث مراکز دولتی و خصوصی آنها را پذیرش نکرده‌اند. مهارت شغلی، افراد را به بازار و کسب‌وکار پیوند می‌دهد و برای آنها منزلت شغلی و اجتماعی به ارمغان می‌آورد. تحصیلات پایین و در نتیجه بازماندن از مهارت‌های روز و فناوری‌های جدید، باعث شده این گروه از زنان، امید چندانی به کسب درآمد از راه‌های مقبول نداشته باشند و در نتیجه با وجود سختی‌های این کار، به تکیه‌گری بپردازند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: «چند بار سراغ کار رفتم، اما نشد. چون نه درس

خوندم و نه مدرک داشتم. چون سواد کمه، نتونستم زود یاد بگیرم. الان

همه‌جا مدرک و گواهی می‌خوان و کسی به بیسواد کار نمیده».

مهارت شغلی بالا، با اشتغال ثابت و درآمد مناسب همراه است. هرچند برخی از این زنان گاه آموزش‌هایی همچون شیرینی‌پزی و یا صنایع دستی دارند، چون سرمایه اولیه ندارند، امکان بهره‌مندی از این مهارت‌های اولیه را نیز ندارند. این شرایط، قدرت انطباق-پذیری و سازگاری آنها با بازار مقبول در جهت کسب درآمد را از بین برده و در نتیجه با ناکامی در کسب شغل مناسب روبه‌رو شده‌اند.

۶- تکیه‌گری به‌مثابه درآمد آسان

تکیه‌گری به‌مثابه درآمد آسان از مهم‌ترین زمینه‌های اقتصادی گسترش این پدیده است. زنان بدون زحمت و پذیرش سختی‌های اشتغال، به دامن خیابان رفته، با نشستن در یک گوشه از افراد، طلب پول می‌کنند. در اینجا، زنان زحمت و فشار ناشی از کار ندارند و از آنجایی که مهارت شغلی نیز ندارند، بدون سرمایه و جابه‌جایی ابزار تولیدی و سرمایه‌ای خاص و یا اجازه مغازه و یا دادن مالیات به شهرداری، به‌راحتی درآمدزایی می‌کنند. در شرایط اشتغال دولتی و یا اشتغال در سایر مراکز تولیدی، افراد با خستگی، تکرار و فرسودگی شغلی روبه‌رو می‌شوند و گاه افراد بین زحمت و درآمد خود، تناسبی نمی‌بینند. اما در اینجا بدون چالش خاصی و صرفاً با گذر از برچسب و شرم اجتماعی، زنان درآمد کسب می‌کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۹: «خب راحتی دیگه. سختی نداره و چیزی گیرت

میاد. فقط موقع زمستون به خاطر سرما کمی اذیت میشم. بعضی وقتا هم

شهرداری گیر می‌ده. اما کلاً نه باید وسیله‌ای جابه‌جا کنی و نه باید به کسی

جواب بدی».

مشارکت‌کننده شماره ۸: «وقتی با دوستان صحبت می‌کنم و اونها هم مثل من سابقه و تجربه گدایی رو دارن، بهشون می‌گفتم: ببینید تا ساعت ۱۱ ظهر خوابم و بعدش بیدار می‌شم و دوری در سطح شهر می‌زنم و بعدش راحت پول نهار و شام خودم رو در میارم.... زمانی که حکم جلبم اومده بود و بردنم کمپ، با یک پزشک صحبت می‌کردم و براش از گدایی و مزایاش صحبت کردم؛ پزشکه به شوخی گفت: کاش من هم این کار رو بکنم، کلی درآمد و سود داره».

یادگیری اجتماعی و به‌کارگیری فنون دریافت پول از شهروندان، آسانی تکدی‌گری را فراهم ساخته است. این در شرایطی است که زنان متکدی با ضرر و زیان و نیز از دست دادن سرمایه روبه‌رو نیستند، بلکه می‌توان گفت که تکدی‌گری برای زنان نوعی بازی برد مطلق است. در این بازی، یک طرف بدون هیچ سرمایه و خلاقیتی، کسب درآمد می‌کند و طرف دیگر، با ترحم و بذل خود بر درآمد او می‌افزاید. بنابراین سود ناشی از این کار، راحت و با کمترین رنج جسمی و اضطراب از دست دادن سرمایه همراه است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۴: «تو این گرونی ترس نداری چیز از دست بدی. دیگه هر چی گیرت بیاد، مال خودته و کسی هم مزاحمت نیست. سودش در همینه. خیلی‌ها در ماه بیشتر از ده تومن در میارن».

مشارکت‌کننده شماره ۱: «من دختری جوانم و کلی آرزو و نیاز دارم. بعضی از دوستانم که مثل من هم گدایی می‌کنن، برام تعریف کردن که دوتا شون سال گذشته به دلیل روابط نامشروع، حامله شدن و جنینشون رو فروختند. دلال‌هایی هستش که پول خوبی بابت خرید جنین هم میدن و این شده یک منبع درآمد خوب و آسان».

۷- فقر نسلی

از آنجایی که زنان با بی‌سرپرستی و بدسرپرستی و فقدان مهارت شغلی (به این مضامین مراجعه کنید) روبه‌رو هستند، نمی‌توانند از نظر اشتغال، درآمد مناسب و پایداری داشته باشند. علاوه بر این از نظر خانوادگی، شرایط مالی مناسبی ندارند و این امر آنها را به سوی خیابان کشانده است. در واقع فقر خانوادگی آنها تداوم یافته و نتوانسته‌اند از آن رهایی یابند.

این زنان چون با نوعی فقر نسلی روبه‌رو هستند و ازدواج آنها منجر به تحرک صعودی آنها نشده است، تله فقر آنها گاه تشدید نیز شده است. این امر باعث شده که در تأمین نیازهای مالی خود با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شوند. این در حالی است که بیشتر آنها مستأجر هستند و باید در فشار اقتصادی ناشی از آن، اجاره‌بها نیز بپردازند.

مشارکت‌کننده شماره ۶: «کل پول من میره برای اجاره و خونه. از خودمون

هم سرمایه نداریم که بگیم خب چیزی داریم که موقع نیاز از اون خرج کنیم. مجبوریم بیایم اینجا بشینیم و از مردم کمک بخواهیم».

افزون بر این حمایت نکردن نهادهای حمایتی از این افراد، در کنار کمک‌های ناچیز و کم، باعث شده که فقر مالی آنها تداوم داشته باشد. در این وضعیت، فقدان منابع مالی و حمایتی، آنها را در حالت رهاشدگی اقتصادی قرار داده است. این فقر نسلی بچه‌ها و سایر اعضای خانواده، آنها را مستعد می‌سازد که در آینده به تکدی‌گری بپردازند و یا اینکه به اقتصاد نامشروع و غیر مجاز گرایش یابند. بنابراین نوعی پیشینه اقتصادی ضعیف دارند که از پدران و مادرانشان به آنها منتقل شده است و ساختار اقتصادی آنها در بیشتر تعاملات نامولدی (به این مضمون مراجعه کنید) شکل گرفته که همچون یک تله فقر، آنها را محصور کرده است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: «از موقعی که بچه بودم، با نداری بزرگ شدم. پدر و مادرم هم فقیر بودن و الانم ما هم مثل اون‌ها شدیم. می‌بینی که دخترم هم اون طرف مثل من بساط پهن کرده و داره بدبختی می‌کشه. تا جایی که یادمه، جد در جد چیزی نداشتن و این تا آخر زمان ادامه داره!».

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه به دلیل فشارهای اقتصادی و تغییر و تحولات رخ داده در ساختار خانواده‌ها، زنان به اشتغال گرایش پیدا کرده‌اند. از جمله مظاهر اشتغال که بُعد منفی و کریه‌ی دارد، تکدی‌گری است. تکدی‌گری به دلیل تنگناهای اقتصادی گسترش یافته و این زمینه را برای بروز چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در بطن خانواده‌ها فراهم کرده است. این در حالی است که سیاست‌گذاران نیز برنامه مدون و مشخصی برای سامان‌دهی و

مدیریت این پدیده ندارند. بدین ترتیب این پژوهش با هدف شناسایی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی تکدی‌گری زنان در شهر خرم‌آباد انجام گرفت.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زمینه‌های اجتماعی تکدی‌گری، «تعارض عقلانیت ارزشی مذهبی، کاهش شرم و برچسب تکدی‌گری، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی» و زمینه‌های اقتصادی آن، «نداشتن مهارت شغلی، تکدی‌گری به‌مثابه درآمد آسان و فقر نسلی» است. از آنجایی که تکدی‌گری همچون گذشته با برچسب همراه نیست و نیز فشارهای اقتصادی به نوعی منجر به فقر اقتصادی بیشتر شده است، زنان سعی می‌کنند تا با ورود به خیابان به کسب درآمد بپردازند. این زنان، تکدی را به‌مثابه درآمد آسان تعریف می‌کنند که با نتایج تحقیق رضازاده (۱۳۹۴) همخوانی دارد و از این طریق بر ناکامی‌های مهارتی و اقتصادی خود غلبه می‌کنند. بنابراین فقر اقتصادی، فقدان درآمد کافی و فشار اقتصادی منجر به کشانده شدن زنان مناطق حاشیه‌نشین به گدایی شده است.

فقر زنان حاشیه‌نشین، زاییده روابط اجتماعی، فقدان اعتماد، تضعیف شبکه‌های اجتماعی و ساختار نامناسب جامعه است که منجر به عدم مشارکت اجتماعی و ادغام این زنان در فضای شهری شده است. این شرکت نکردن زنان می‌تواند ناشی از عواملی از قبیل نبود منابع و توانایی‌های اقتصادی، جدا نگه داشتن فقرا و تبعیض، ترس و بدگمانی جامعه نسبت به مناطق حاشیه‌نشین باشد. یافته‌های این قسمت از پژوهش همسو با نتایج پژوهش‌های دموز (۲۰۰۵)، کوسی کاسا (۲۰۰۸)، رستمی‌نیا (۱۴۰۱) و عشایری و همکاران (۱۴۰۱) است. نکته دیگر اینکه این زنان عمدتاً با فقر نسلی و فقدان مهارت‌های اجتماعی و نیز حمایتی نهادی (مراکز دولتی) روبه‌رو هستند. این امر باعث شده که خود را رهاشده و فاقد جایگاه و منزلت بدانند. از این‌رو با ورود به خیابان به نوعی بر وضعیت موجود اعتراض می‌کنند. یافته‌های این قسمت از پژوهش همسو با نتایج پژوهش‌های گابریل و همکاران (۲۰۱۵) و نواصر (۱۴۰۰) است.

آنچه محل بحث و نظر است این است که تکدی‌گری با کاهش هنجارها و ارزش‌های منفی حول آن در شهر خرم‌آباد در حال گسترش است. فشارهای ساختاری ناشی از دسترسی نداشتن به منابع پایدار اقتصادی در کنار شکل‌گیری هویت تکدی‌گری به‌مثابه شغل که مضمون «درآمد آسان»، آن را تشدید می‌کند و تضاد در عقلانیت دینی و

مذهبی شهروندان در جهت کمک به این دسته از افراد، آن را نهادینه ساخته، نشان می‌دهد که شرم تکدی‌گری در حال کاهش یافتن است. در این رهگذر، زنان متکدی با ایجاد نوعی فاصله در فضای اجتماعی محل زندگی و فضای کاری خود (که در میان مهاجران خارج از استان مشهودتر است)، با سهولت در پی درآمدزایی هستند. بنابراین فضای موجود در شهر خرم‌آباد به نحوی است که بسترهای اجتماعی و اقتصادی تکدی‌گری را تشدید می‌کند. تسلسل فقر ناشی از وضعیت خانواده‌ها نیز به صورتی است که امکان خروج از این وضعیت را به راحتی به این افراد نمی‌دهد. از این منظر، مواجهه نهادمند و پایدار این وضعیت مستلزم این است که حمایت‌های نهادی و اجتماعی هدفمندی از این افراد صورت گیرد که بتوانند با توانمندسازی خود به اشتغال مجاز، مولد و بهنجار دست یابند و از این طریق ضمن ترمیم تعاملات نامولد خود، مهارت‌های شغلی خود را تقویت و از این طریق بر ناکامی منزلتی خود غلبه کنند.

در مجموع برای مقابله با گسترش این پدیده، در وهله اول در سطح کلان لازم است دولت و سیاست‌گذاران، پیشگیری و مداخله‌های هدفمند و پاسخگو را نسبت به مداخله‌های درمانی و توان بخشی در اولویت قرار دهند. دوم، تقویت تعاملات بین‌نهادی (نیروی انتظامی، شهرداری، سازمان فنی و حرفه‌ای، کمیته امداد، سازمان بهزیستی و علوم پزشکی) با سازمان‌های مردم‌نهاد و توسعه فعالیت‌های اجتماع‌محور برای پیشگیری، مداخله‌های هدفمند و پاسخگو است. در سطح میانه لازم است که نوع نگاه خانواده به زنان متکدی و پیامدهای پدیده تکدی‌گری برای خانواده و فرزندان با ارتقا سطح آگاهی آنان تغییر کند. استفاده از ظرفیت رسانه ملی، رسانه‌های بومی و شبکه‌های اجتماعی در این زمینه می‌تواند مفید باشد. همچنین وقتی این زنان به مراکز کمپ زنان متکدی ارجاع داده می‌شوند، آموزش دوره‌های مهارت شغلی و ارائه تسهیلات با نظارت مسئولان و مددکاران اجتماعی می‌تواند به توانمندسازی آنان کمک کند. از آنجایی که اغلب این زنان، بی‌سرپرست و بدسرپرست هستند، با به کارگیری فعالیت‌های زودبازده و ایجاد مشاغل خانگی می‌توان به معیشت پایدار و کرامت آنان کمک نمود. همچنین با توجه به سابقه مصرف مواد مخدر در بین اغلب زنان متکدی، اعتیاد شوهر و یا فرزندان آنها، اقدامات مداخله‌ای و درمانی برای ترک اعتیاد آنان پیشنهاد می‌شود.

پی‌نوشت

۱. نسق «زیه دوجا» برای خانوارهایی است که معاش کوچ‌روی داشتند و فاقد دام بودند، اما نیروی کار داشتند. معمولاً افرادی که گله‌ای قابل توجه داشتند، بخشی از گله خود را به شرط نگهداری و حمایت نسق می‌کردند و هر سال در پایان، بره‌ها و بزغاله یا گوساله‌های به دنیا آمده را به صورت عادلانه تقسیم می‌کردند و در بسیاری از موارد سعی بر آن بود که فرد حشم‌دار یا متمکن بیشتر جانب فرد نیازمند را داشته باشد.
۲. دوپا، یک نهاد و نسق اجتماعی برای دام‌های سنگین بود و فردی که فاقد اسب و قاطر بود، یک سال یک رأس و در برخی موارد، چند رأس مادیان از فرد حشم‌دار تحویل می‌گرفت و با پذیرش هزینه‌های نگهداری آنها در پایان سال، اگر مادیان، کره اسب یا قاطر می‌زایید، فرد نگهدارنده نصف یا دوپا را مالک می‌شد.
۳. این نسق، یکی از شیوه‌های همیاری در شخم زدن بوده است. زارعانی که به‌تنهایی قادر به شخم زدن زمین نبودند، با آوردن گاو و قاطر، هر کدام یک رأس کار شخم را به صورت اشتراکی انجام می‌دادند؛ اما در نهایت هرکس مالک محصول خود بود.
۴. منظور از لوطی‌ها، افراد عیار و لوطی‌مسلك نیست که دارای خصیصه‌های جوانمردی باشند؛ بلکه افرادی هستند با گویش خاص و طرز پوشش ویژه و شعایر مجزا، اغلب دوره گرد و آوازخوان که دارای زندگی بخور نمیر متکی به دست‌فروشی و یا اشتغال غیر رسمی هستند.
۵. بافت‌های قهوه‌ای (Brownfield)، فضا‌های شهری غیر قابل دفاع و ناامنی هستند که مالکیت شهری و شخصی آنها مشخص نیست و به همین دلیل مکان مناسب و بدون هزینه‌ای برای اسکان متکدیان است.

منابع

- آفریدون، بهزاد (۱۳۹۱) ماهیت و عوامل مؤثر در جرایم تكدی و كلاشی، رساله کارشناسی‌ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، به راهنمایی علی نجفی توانا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- اسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۱) «بررسی نقش عوامل اجتماعی بر تكدی‌گری در شهر گنبدکاووس در سال ۱۳۹۰»، مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره ۸، صص ۲۳-۴۴.
- ایار، علی و موسی عنبری (۱۴۰۲) «از گردو تا اوکالپتوس: روایتی مردم‌نگارانه از فرسایش اجتماعات محلی در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال سی‌ام، شماره ۱۰۱، صص ۲۹-۷۳.
- حاجیان مطلق، محمود (۱۳۸۱) روسپیگری، تأملی بر پدیده تكدی و ریشه‌های آن در ایران، کودکان خیابانی و تكدی، مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران، آگاه.
- حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۰) «ارزیابی عملکرد سازمان‌های مسئول سامان‌دهی متکدیان»، فصلنامه دانش ارزیابی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۳-۳۳.
- (۱۳۹۶) «رویکرد شهروندان تهرانی نسبت به متکدیان»، مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۲، صص ۲۹-۵۲.
- خانزاده، علیرضا (۱۳۹۳) بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده تكدی‌گری در شهرستان اهواز، رساله کارشناسی‌ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- خضری، نشمین (۱۳۹۴) تبیین جامعه‌شناسی مواجهه با پدیده تكدی‌گری در شهر تبریز (با روش نظریه زمینه‌ای)، رساله کارشناسی‌ارشد، رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی سید حسین سراج‌زاده، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- خوشچایانی، رامین و سید محمد حسینی (۱۳۹۹) «ارزیابی و تحلیل نرخ بیکاری در استان‌های کشور با استفاده از خوشه‌بندی مبتنی بر چگالی پیش‌بینی»، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۲-۱۶.
- رستمی‌نیا، مژگان (۱۴۰۱) «تحلیل و تبیین عوامل اثرگذار بر تكدی‌گری شهری در کوهدشت»، مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۱۶-۱۱۰.
- رضازاده، مرضیه (۱۳۹۴) بررسی پدیده تكدی‌گری و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه به روش گراند تئوری، رساله کارشناسی‌ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور استان خراسان رضوی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مرکز پیام نور مشهد.
- رضوی، سید حسین (۱۳۷۷) روستا، فقر و توسعه، جلد اول: مفاهیم، رهیافت‌ها و شاخص، وزارت جهاد سازندگی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۱.

روشن پور، امین و دیگران (۱۴۰۰) «ارزیابی سریع کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان (مورد مطالعه: شهر خرم‌آباد)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۴، صص ۱۳۳-۱۵۵.

زمانی‌مقدم، مسعود و سید علیرضا افشانی (۱۴۰۰) «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مرور نظام‌مند»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۰، صص ۴۵-۸۰.

عبداللهی، اسماعیل و رویا زندی (۱۳۹۵) بررسی و تحلیل عوامل موثر بر تکدی‌گری در شهر بوشهر، کنفرانس جهانی روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز.

عشایری، طاها و دیگران (۱۴۰۱) «مطالعه جامعه‌شناختی فرهنگ تکدی‌گری خیابانی: مرور سیستماتیک پژوهش‌های تجربی»، فصلنامه مطالعات راهبردی فرهنگ، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۵۳.

عنبری، موسی و سارا بقایی (۱۳۹۳) «ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری (مورد مطالعه: منطقه دیزج شهر همدان)»، توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، صص ۲۰۹-۲۳۲.

فرهادی، مرتضی (۱۳۹۰) «فروپاشی ده و کژبالشی شهر ایرانی (کاهندگی فرهنگ تولیدی و افزایش فرهنگ مصرفی در ایران)»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال اول، شماره ۲، صص ۷-۲۸.

کونانی، سمیرا (۱۴۰۰) عوامل تأثیر گذر بر افزایش تکدی‌گری در شهرستان شهریار، رساله کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، دانشکده علوم انسانی.

معاونت برنامه‌ریزی و اطلاعات راهبردی (۱۴۰۲) گزارش تحلیلی - توصیفی زنان سرپرست خانوار. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷) تکدی‌گری در ایران، دفتر مطالعات اجتماعی.

معینی، مهدی و صدیق جهان‌بازیان (۱۳۹۸) «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به تکدی‌گری در شهر یاسوج»، فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، شماره ۳۳، صص ۱-۲۳.

نظم‌فر، حسین و دیگران (۱۳۹۸) «پایش توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وششم، شماره ۱۰۰، صص ۱۵۰-۱۷۵.

نواصر، مریم (۱۴۰۰) واکاوی ریشه‌ها و پیامدهای پدیده تکدی‌گری در شهر اهواز، رساله کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، به راهنمایی کریم رضادوست، دانشگاه شهید چمران، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

- Baltazar M.L. and Maseke R. (2012) Categories of street beggars and factors influencing street begging in central Tanzania, African study monographs, vol 33, no 2.
- Bukoye, R.O. (2015) Case Study: Prevalence and Consequences of Streets Begging among Adults and Children in Nigeria, Suleja Metropolis. Procedia – Social and Behavioural Sciences, Vol 171, 323–333.
- Daarta nanglakong, C. Ganaa.C.Galaa.E.(2019) Street Begging: The Case of the Bolgatanga Municipality. Journal of Applied Linguistics and Language Research, Vol 6 (3).20-42.
- Demewozu, W. (2005) Begging as a Means of Livelihood: Conferring with the poor At the Orthodox Religious Ceremonial Days in Addis Ababa, African Study Monographs. Vol29. 185-191.
- Gabriel, E., Fasakin, j.o. Mande, K. H (2015) Evidential Socio-Economic and Cultural Characteristics Defining Street Begging in Akure, Nigeria, IOSR Journal of Environmental Science, Toxicology and food Technology. Vol 9 (8). 67-78.
- Iqbal, R (2016) Begging: A Growing Threat in India. International Journal of Advanced Research in Management and Social Sciences, 2 (8):37-62.
- Ismail, R. (2013) Phenomenon of begging children, conductive studies. Iraq, 1(42), 27-31.
- Kanbur, Ravi; Venables, Anthony J. (2005) Spatial inequality and development, Oxford New York: Oxford University Press, ISBN 9780199278633, Pdf version.
- Kennedy, C., Fitzpatrick, S. (2011) Begging, Rough Sleeping and Social Exclusion: Implication for Social Policy. Journal of Urbanization and Environment, Vol 38 (11), 2001–2016.
- Kwesi Kassah Alexander (2008) Begging as work: a study and Society, Vol 23 (2). 163-170.
- Malarvizhi. V. & K.T. Geetha (2016) Socio- Economic Issues of Beggary: A Study Of Beggary: A study Of Beggars In Coimbatore City, IRA International Journal of Management Social Sciences, Vol3. 243-258.
- Namwata, B.M.L. M.R. Mgabo & P. Dimoso (2011) Demographic dimensions and their implications on the incidence of Street begging in urban areas of Central Tanzania: The case of Dodoma and Singida Municipalities. Global Journal of human Social Science, 11 (4): 53–6.
- Ogunkan, D., Fawole, O (2009) Incidence and Socio- economic dimension of begging in Nigerian cities: The case of Ogbomosho. International NGO Journal Vol.4(12), pp.498-503.
- Ojo, T.M., Benson, T.A. (2017) Street Begging and Its Psychosocial Social Effects in Ibadan Metropolis, Oyo State, Nigeria. World Academy of Science, Engineering and Technology International Journal of Humanities and Social Sciences, Vol11 (12). 2771-2775.
- Seni, A.J. (2017) Causes and Effects of Begging Style Involving Children as Guides in Dodoma Municipality, Tanzania: Liability in Basic Education

Access. International Journal of Education and Literacy Studies, Vol 5 (1).1-12.

- Shakoori A, Motamedi H (2013) Analysis of Socio-Economic Factors Affecting Begging in the City of Mashhad. socio-cultural Dev Stud ;1(3). sociological review; 3 (5). Study monographs Supplementary issue (2005), 29.pp. 185- 19
- Siegel, L and Sienna, J. (1997) Juvenile Delinquency, Six Edition, West Publishing Company.

